

چند و چون علوم قرآن

مقدمه

یکی از مباحث مهم در حوزه قرآن شناسی، بررسی مفهوم علوم قرآن و تعیین قلمرو مباحث آن است که دانشمندان بسیاری به تفصیل از آن سخن گفته و آثار ارزشمندی عرضه نموده‌اند. در این مقاله برآنیم تا با استفاده از نظرگاه آنان، مفهوم، تقسیمات و جایگاه علوم قرآن را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مفهوم علوم قرآن

اصطلاح علوم قرآن ترکیبی است از دو واژه «علوم» و «قرآن» که معنای هر کدام به تنهایی روشنی روشن است؛ اما کاربرد آنها به صورت «مركب» با توجه به اختلاف ترکیبی آن، با ابهام روبه‌رو است؛ زیرا اگر واژه علوم نسبت به قرآن، شکل موصوف به خود گیرد، به مقتضای مفهوم وصفی آن، به معنای دانش‌هایی است که وجهه قرآنی دارد؛^۱ اما اگر این ترکیب از نوع اضافی باشد، به معنای دانش‌هایی است که در ارتباط با قرآن است.^۲ علوم قرآن، بنابر دیدگاه نخست، تنها دانش‌های برخاسته از قرآن را شامل می‌شود، اما بر اساس دیدگاه دوم دانش‌های بیشتری، مانند علوم مقدماتی و علوم برخاسته و برگرفته از قرآن را نیز در بر می‌گیرد؛ چرا که همه آنها در ارتباط با قرآن کریم است.

* دانش‌آموخته حوزه علمیه، دکترای تفسیر و علوم قرآن (سطح چهار حوزه)، عضو هیئت علمی مرکز جهانی و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



تعریف علوم قرآن

پیشینیان، تعریف دقیقی از علوم قرآن ارائه نکرده و تنها به ذکر اقسام آن بسنده نموده‌اند؛ اما امروزان کم‌وبیش در این مقوله قلم زده و سخن گفته‌اند؛ از جمله:

الف. زرقانی

وی می‌نویسد: علوم قرآن، با ترکیب اضافی خود شامل همه علوم می‌شود؛ ولی پس از نقل از آن معنای وسیع به فنّ مدوّن، تنها شامل مباحث خاصی شده و اصطلاح جدیدی پیدا نموده است. بر این اساس علوم قرآن، به مجموعه مباحث مربوط به قرآن از جهت نزول قرآن، ترتیب، جمع، نگارش، قرائت، تفسیر، اعجاز، ناسخ و منسوخ، دفع شبهات از قرآن و امثال آن اطلاق می‌شود.^۳

ب. شهید صدر

شهید صدر در این باره می‌نویسد: علوم قرآن عبارت است از همه معلومات و مباحثی که متعلق به قرآن است؛ هر چند اهداف آنها مختلف باشد.^۴

ج. محمد هادی معرفت مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

علوم قرآنی، اصطلاحی است در باره مسائلی مرتبط با شناخت قرآن و شئون مختلف آن.^۵ وی سپس درباره فرق بین علوم قرآنی و معارف قرآنی می‌گوید: فرق میان علوم قرآنی و معارف قرآنی آن است که علوم قرآنی بحثی بیرونی است و به درون و محتوای قرآن از جنبه تفسیری کاری ندارد، اما معارف قرآنی کاملاً با مطالب درون قرآنی و محتوای آن سروکار دارد، و یک نوع تفسیر موضوعی به شمار می‌رود.^۶ نیز می‌افزاید: علوم قرآنی بحث‌های مقدماتی برای شناخت قرآن و پی‌بردن به شئون مختلف آن است. در علوم قرآنی، مباحثی چون: وحی و نزول قرآن، مدت و ترتیب نزول، اسباب نزول، جمع و تألیف قرآن، کاتبان وحی، پیدایش قرائات، پیدایش متشابهاات، اعجاز، نسخ و عدم تحریف مطرح می‌باشد.^۷

نقد و نظر

در اینکه علوم قرآن می‌تواند دارای اصطلاح خاصی باشد تا پس از کاربرد آن، به عنوان معنای مورد نظر به اذهان متبادر شود، جای تردید نیست؛ اما تا کنون اصطلاح خاص روشنی برای آن وضع نشده است. گواه آن، اختلاف در تعاریف و نیز گستردگی و ضیق کاربرد گوناگون آن است؛ چنان که در کلام زرقانی دفع شبهات از قرآن داخل اصطلاح علوم قرآن شمرده شده است، حال آنکه در کلام استاد معرفت، در شمار معارف قرآن و محتوای آن است.

از سوی دیگر آنچه در کلام این دو قرآن‌پژوه آمده است با مبنای جدایی تاریخ قرآن از علوم قرآن که امروزه در عرف پژوهندگان قرآنی مطرح است، ناسازگار است. بنابراین دست کم می‌توان گفت: علوم قرآنی هنوز بر اصطلاح خاصی استقرار نیافته، و چون ترکیب وصفی (علوم قرآنی)، رجحانی بر ترکیب اضافی (علوم قرآن) ندارد، مناسب‌تر آن است که علوم قرآن با همان گستردگی ذاتی‌اش به کار رود و اگر محدوده خاصی در نظر پژوهشگری بود، باید با قیودی آن را معین نماید. در نتیجه باید گفت: اصطلاح علوم قرآن همه دانش‌هایی را که برای فهم قرآن به کار می‌آیند یا برخاسته از قرآن‌اند، در بر می‌گیرد. به دیگر سخن علوم قرآن را می‌توان این گونه تعریف کرد: سلسله دانش‌هایی که در شناخت و فهم قرآن نقش و دخالت دارند.

اقسام علوم قرآن

با توجه به اینکه علوم قرآن از زوایای گوناگون متنوع است، مفسران و دانشمندان علوم قرآن، تقسیمات زیر را برای آن ارائه نموده‌اند:

تقسیم اول: علوم لفظی و علوم معنوی

علوم لفظی علمی است که در باره الفاظ قرآن بحث می‌کند؛ مانند علم تجوید، علم قرائت، فن رسم الخط، شمارش عدد سوره، آیه، کلمات و حروف قرآن. بحث از تحریف‌ناپذیری قرآن و مسئله اعجاز نیز در ردیف همین دسته قرار می‌گیرند.



علوم معنوی، علمی است که درباره معانی قرآن بحث می کند؛ مانند تنزیل و تأویل، ظاهر و باطن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، آیات الاحکام و علم تفسیر قرآن.^۸

تقسیم دوم: علوم تاریخی، علوم دستوری و علوم تفسیری

علوم تاریخی، علمی است که در باره سرگذشت قرآن کریم، چون: نزول قرآن، نگارش و نویسندگان قرآن، مراحل تدوین و اعراب و اعجام قرآن سخن می گوید. علوم دستوری، علمی است که در باره قرائت، تجوید، رسم الخط، و... بحث می کند.

علوم تفسیری، علمی است که تفسیر، شیوه های تفسیری و مناهج آن را می کاود.

تقسیم سوم: علوم برون قرآنی و علوم درون قرآنی

منظور از علوم برون قرآنی، علمی است که با قطع نظر از قرآن و بیرون از محتوای آن، وجود دارد؛ مانند ادبیات، تاریخ و تاریخ قرآن. و اما مقصود از علوم درون قرآنی دانش هایی است که از درون قرآن نشئت گرفته است؛ مانند مباحث اعجاز، تحریف، شناخت آیات و سوره ها، و تمام معارف قرآن.

تقسیم چهارم: علوم متصل، علوم مرتبط، و علوم مستفاد

منظور از علوم متصل، دانش هایی است که پیوند ناگسستنی با قرآن دارند؛ به گونه ای که در فرض عدم نزول قرآن، این علوم نیز اصلاً پا به عرصه وجود نمی گذاشتند؛ زیرا در حقیقت زائده خود قرآن کریم اند. برخی از این علوم عبارتند از: یک. تاریخ قرآن، شامل کیفیت نزول قرآن، نگارش و رسم الخط قرآن، نویسندگان وحی، جمع و تألیف قرآن در عصر پیامبر (ص)، جمع و تألیف قرآن پس از رحلت پیامبر (ص)، قاریان و قرائت های گوناگون، ترتیب نزول و ترتیب مصحف، تقسیم بندی و اجزای قرآن، اعجام و اعراب گذاری قرآن، تجوید و تلاوت قرآن، مفردات و معانی واژگان، وجوه و نظائر، غریب القرآن، زبان قرآن، شناخت آیات و اقسام آن، تناسب آیات و سوره، احکام و تشابه، نسخ و تخصیص آیات قرآن. دو. اسباب النزول.

سه. شناخت اسمی و وصفی قرآن.

چهار. حدوث و قدم قرآن.

پنج. ظهر و بطن.

شش. تحریف ناپذیری قرآن.

هفت. اعجاز قرآن.

هشت. تفسیر و تأویل قرآن.

اما مقصود از علوم مرتبط با قرآن، دانش‌هایی است که در فهم قرآن نقش اساسی دارند، اگر چه خاستگاه آنها قرآن نبوده است؛ زیرا پیش از نزول قرآن نیز به عنوان بخشی از فرهنگ عرب در میان آنها وجود داشته است؛ مانند ادبیات به معنای امم آن، که پایه‌ی اساسی در فهم الفاظ هر متن، و از جمله قرآن می‌باشد.

صاحب البرهان می‌نویسد:

علوم مرتبط با الفاظ قرآن، چهار نوع است: اعراب، نظم، تصریف و

اعتبار.^۹

منظور از اعراب، علم نحو، مقصود از نظم، علوم بلاغت، مراد از تصریف علم اشتقاق، و منظور از اعتبار، علم منطق است.

در گروه دانش‌های مربوط به قرآن، علوم دیگری نیز دخالت دارند، که در مجموع عبارتند از:

۱. علم لغت: دانش شناخت واژه‌ها.

۲. علم صرف: دانش تغییر ساخت‌ها و شناخت جایگاه فردی واژه‌ها.

۳. علم نحو: دانش شناخت جایگاه ترکیبی واژه‌ها و اعراب آنها.

۴. فقه اللغة: دانشی که از ارتباط لفظی و معنوی واژگان سخن می‌گوید.

۵. علم اشتقاق: دانش ارتباط واژه‌ها و معانی آنها با یکدیگر.

۶. علم اسالیب: شناخت شیوه‌های کلامی که عبارت است از:

علم معانی: دانشی که در باره لفظ، از جهت مطابقت با مقتضای حال گفت و گو می‌کند.

علم بیان: دانشی که از نحوه بیان یک معنا، از راه‌های گوناگون بحث می‌کند.

علم بدیع: دانشی که در باره زیبایی‌های کلامی سخن می‌گوید.^{۱۰}

۷. علم منطق: ابزاری که با به کار گرفتن آن، ذهن از خطا در فکر مصون می‌ماند.^{۱۱}

علم منطق از آن رو در ردیف علوم لفظی قرار گرفته است که در باره چگونگی چیش قضایا و مقدمات قیاس نیز بحث می کند.

شاخه های دیگری از علوم مرتبط با قرآن وجود دارد که در فهم و تفسیر قرآن نقش کلیدی دارند؛ هر چند وجود آنان قبل از نزول قرآن در قالب و عنوان دیگری بوده است؛ مانند:

۱. سیره پیامبر (ص) و نیز ائمه معصومین (ع) به عنوان بخشی از منابع تفسیر.

۲. علوم الحدیث، به عنوان بخشی از منابع تفسیر، که خود عبارت است از:

الف. علم روایة الحدیث، و آن علمی است که در آن از کیفیت اتصال حدیث به معصوم از لحاظ احوال روایات و کیفیت سند گفت و گو می شود. این شاخه از علم الحدیث خود به دو بخش تقسیم می شود:

- علم الرجال، که از احوال رجال سند از لحاظ عدالت و وثاقت و عدم آن بحث می کند.

- علم مصطلح الحدیث، که به کیفیت نقل حدیث توسط راویان از لحاظ تواتر، وحدت نقل، اتصال و انقطاع، صحت و ضعف آن می پردازد.

ب. علم درایة الحدیث، که از معانی و مفاهیم الفاظ وارد در احادیث، بحث می نماید. ۱۲

۳. علم اصول فقه، یا شناخت شیوه های استدلال و استنباط احکام موجود در متون دینی اعم از قرآن و سنت.

۴. علم کلام، یا شناخت مسائل و قواعد کلی اصول اعتقادات.

۵. علم تاریخ و احوال بشر.

پر واضح است که این علوم ابزار فهم قرآن است؛ به گونه ای که اگر مفسر قرآنی از آن بی بهره باشد، از درک صحیح قرآن محروم خواهد بود، و یا تفسیرش، تفسیر به رأی خواهد شد.

نقش علوم دیگر در فهم و تفسیر قرآن

آیا دانش های بشری، یا علوم تجربی،^{۱۳} مانند دانش پزشکی، فیزیک، شیمی، ریاضیات، زیست شناسی، روان شناسی، جامعه شناسی، حقوق، اقتصاد و امثال آن، در فهم قرآن نقشی دارند؟ و آیا لازم است مفسر بدان ها نیز بپردازد؟

این دانش‌ها نقش مستقیمی در فهم قرآن ندارند. چنین نیست که اگر کسی آشنا و آگاه بدان‌ها نباشد، قرآن را نفهمد. آری؛ آگاهی از این سلسله دانش‌ها، می‌تواند در تبیین موضوع، و نیز عینی کردن برخی از مصادیق به‌ویژه در تفسیر آیاتی که به موضوعات علمی اشاره دارد، نقش اساسی ایفا نماید.

گفتنی است که حقایق علمی غیر قابل تغییر، در صورتی که از مرحله نظریه و فرضیه گذشته و به صورت قانون حتمی درآمده باشند، می‌توانند در ردیف دیگر مصادر تفسیر قرار گیرند. از این رو، آگاهی از این دانش‌ها، می‌تواند کمک شایان توجهی در تعیین مصادیق دقیق‌تر مفاهیم قرآن نماید؛ به شرط آنکه به وادی تفسیر به‌رای کشیده نشود.

در کنار علوم قرآنی و علوم مرتبط با قرآن، علوم دیگری نیز وجود دارد که به «علوم مستفاد» یا مستنبط از قرآن شهرت دارد. مراد از علوم مستفاد، دانش‌هایی است که قرآن کریم با نزول خود به ارمغان آورده، و یا به تکمیل آن پرداخته است، و این امر به دلیل هدایتی بودن قرآن، و رسالت جامع و فراگیر آن است. بدین معنا که هر آنچه مورد نیاز جامعه بشری بوده است، به‌اجمال یا تفصیل بدان پرداخته است. گاهی در قالب بیان عقاید صحیح، گاهی با بیان اخلاقیات و گاهی نیز با تبیین احکام، و گاه با نقل تاریخ گذشتگان، در اینکه این علوم - که در حقیقت همان معارف قرآن است - چه میزان و چه تعداد است، دانشمندان علوم قرآن دیدگاه‌های متفاوتی دارند.

محمد بن جریر طبری می‌نویسد: علوم قرآن مشتمل بر سه بخش است: توحید، اخبار و دیانات. سپس می‌افزاید: بر همین اساس پیامبر (ص) فرموده است: قل هو الله احد، برابر با یک سوم کل قرآن است؛ زیرا این سوره مشتمل بر همه توحید است.

ابوبکر بن عربی می‌گوید: امهات علوم قرآن عبارتند از: توحید، تذکیر و احکام که ظاهراً همان: عقاید، اخلاق و احکام است. وی می‌افزاید: در بخش توحید، معرفت مخلوقات، معرفت خالق، شناخت اسما و صفات حق وجود دارد. در بخش تذکیر وعده به بهشت، وعید به دوزخ، تصفیة ظاهر و باطن قرار دارد. نیز در بخش احکام همه تکالیف، منافع و مضرات، امر و نهی جای می‌گیرند.

علی بن عیسی رمانی، بر این عقیده است که قرآن مشتمل بر سی علم است که امر، نهی، وعده، وعید، وصف بهشت و دوزخ، احتجاج علیه مخالفان و رد بر ملحدان از آن جمله است.^{۱۴}



نقد و نظر

به نظر می‌رسد، این تقسیم‌ها چندان دقیق نباشد، زیرا با گذری در آیات قرآن، چنین می‌نماید که دایره علوم مستتبط و مستفاد، و نیز معارف قرآن از آنچه گفته شد، جامع‌تر است. در اینجا تنها به بیان فهرست کلی و جامع آن اشارت می‌شود:

۱. علم اعتقادات، علم اصول دین و حکمت متعالیه.
۲. علم اخلاق، تربیت و تزکیه.
۳. علم فقه و حقوق، و علم به احکام عبادی، اقتصادی، معیشتی، جهاد، سیاست.
۴. فصاحت و بلاغت، شیوه ارائه سخن در شیواترین و رساترین اسلوب ممکن.
۵. ادبیات موضوعی، نظیر تمثیلات، تشبیهات، کنایات و استعارات قرآن.
۶. تاریخ، سرگذشت امت‌های پیشین، به ویژه فلسفه تاریخ.
۷. تاریخ ادیان؛ شامل تاریخ یهود، مسیحیت، مجوس و صابان.
۸. آفرینش انسان؛ به ویژه سیر تطور و انبعاث وجودی او.
۹. آفرینش جهان؛ به خصوص ستارگان، آسمان و زمین.
۱۰. تفسیر قرآن، شامل مجموعه معارف.
۱۱. علوم دیگر و قرآن:

ممکن است، این پرسش خود نمایی کند که آیا قرآن «تبیان کل شیء» نیست؟

پس چرا علوم مستفاد از قرآن، به چند مورد بسنده و خلاصه شده است؟

پاسخ این است که قرآن، کتاب طب، فیزیک، شیمی، ریاضی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مانند آنها نیست؛ بلکه کتاب هدایت و راهنمایی انسان به سوی سعادت ابدی است و در این مسیر هر آنچه را که انسان بدان نیازمند بوده، بیان کرده است. آری؛ ممکن است در تکمیل برنامه هدایتی و تربیتی خود، به پاره‌ای از این گونه امور اشاره کرده باشد که عنوان «آیات العلوم» به خود گرفته است.

قرآن از این زاویه، انسان‌ها را به تفکر در آفرینش و آیات الهی دعوت می‌کند، که خود می‌تواند منشأ بسیاری از علوم و دانش‌های بشری باشد؛ از جمله: تفکر در آفرینش آسمان و ستارگان، خورشید، ماه، اختلاف شب و روز و فصول؛ تفکر در آفرینش زمین، دریاها، کوه‌ها، بیابان‌ها؛ تفکر در آفرینش شگفت‌آور نباتات،

حیوانات، آفرینش انسان و اسرار موجود در وی؛ تفکر در تاریخ و سرنوشت گذشتگان. قرآن همچنین به دانش‌های هیئت، نجوم، هندسه، ریاضی، پزشکی، تغذیه، زیست‌شناسی، و نیز به فنون نظامی، صنعتی (سفالگری، شیشه‌گری، رنگرزی)، کشتیرانی، تجاری، زراعی و غیر آن، اشاره کرده است.

علوم قرآن در کلام عتوت

علوم قرآن، مانند دیگر علوم اسلام، ریشه در کلام معصومان (ع) دارد. بدین معنا که این علوم مورد توجه آنان بوده و به مناسبت‌هایی به برخی از اقسام آن نیز اشارت فرموده‌اند.

در زمینه تاریخ قرآن، قرائت و قراء، ظهر و بطن، شیوه تفسیر، منابع تفسیر و... روایات بسیاری از اهل بیت نقل شده است. مثلاً در باره زبان قرآن می‌فرماید:

نزل القرآن بایک اعنی و اسمع یا چاره. ۱۵

در مورد اسباب نزول، امام علی (ع) فرمود:

ما نزلت فی القرآن آیه، الا و قد علمت این نزلت و فیمن نزلت و فی ای شیء نزلت و فی سهل نزلت ام فی جبل. ۱۶

امام باقر (ع) در زمینه تقسیم بندی آیات قرآن کریم، می‌فرماید:

ان لکتاب الله ظاهراً و باطناً و معانی ناسخاً و منسوخاً و محکماً و متشابهاً و سنناً و امثالا، و فصلاً و وصلاً، و احرفاً و تصریفاً. ۱۷

امام صادق (ع) در باره علوم و معارف قرآنی فرمود:

ان من القرآن حلالاً، و منه حراماً، و فیه نیا من قبلکم، و فیه نیا من بعدکم، و حکم ما بینکم. ۱۸

امام حسین (ع) در باره مراتب قرآن می‌فرماید:

کتاب الله علی اربعة اشياء: علی العبارة والاشارة واللطائف والحقائق، فالعبارة للعوام، والاشارة للخواص، و اللطائف للاولیاء والحقائق للانبياء. ۱۹

ماهیت علوم قرآن

هر چند اندیشه‌وران علوم قرآن، در زمینه ماهیت علوم قرآنی، سخنی نگفته‌اند، اما



می‌توان از چگونگی ارائه مباحث آنها به نگرش کلی و شیوه بررسی آنان در علوم قرآن پی برد. به عنوان مثال از دو اثر گران سنگ البیان فی تفسیر القرآن و التمهید فی علوم القرآن به خوبی می‌توان دریافت که آیت الله خویی بر اساس شیوه علم اصول الفقه به بررسی مباحث علوم قرآنی پرداخته است؛^{۲۰} اما آیت الله معرفت علوم قرآن را به سبک بررسی‌های تاریخی می‌کاود. ولی هیچ کدام بیانگر ماهیت علوم قرآن نیست؛ چرا که علوم قرآن، حتی به معنای خاص آن، در اساس متنوع، و دارای چستی‌های مختلف است، و طبعاً همه آنها نمی‌توانند یک ماهیت داشته باشند. در حقیقت علوم قرآن، مجموعه‌ای است از علوم عقلی و نقلی.

دانش‌های صرف، نحو، لغت و بلاغت جنبه نقلی دارد.

مباحث تاریخ قرآن، شناخت آیات، اسباب النزول و تفسیر روایی نیز نقلی است. مباحث ضرورت وحی، تحریف‌ناپذیری، اعجاز و تفسیر قرآن، آمیزه‌ای از عقل و نقل است.

مباحث مربوط به علم کلام در بخش توحید، و بسیاری از مباحث علم اصول الفقه، عقلی است. علوم مستفاد از قرآن، از مقوله همان علمی است که از قرآن استنتاج شده است.

بنابراین در هر یک از مباحث قرآنی می‌بایست شیوه خاص آن دانش را پی گرفت، تا دچار سر درگمی و اشتباه نشویم.

موضوع علوم قرآن

اگر چه هر یک از مباحث علوم قرآن، موضوع خاصی دارد که هر بخش را از بخش دیگر متمایز می‌کند، اما آنچه همه اینها را در سلسله علوم قرآنی به هم پیوند می‌دهد و نقش محوری را ایفا می‌کند، پسوند قرآن است و در حقیقت موضوع اصلی در همه این علوم، خود قرآن کریم می‌باشد.

جایگاه علوم قرآن

تعیین جایگاه، و میزان برتری هر علم، فن و هنر، به یکی از سه عامل زیر بستگی دارد:

الف. موضوع. مثلاً می‌گویند: عرفان از فلسفه برتر است، زیرا موضوع عرفان خداوند و موضوع فلسفه وجود مطلق.

ب. شکل و صورت. چنان که در نساجی، هنر پرده‌بافی از هنر فرش‌بافی برتر است، زیرا زیبایی پرده بر زیبایی فرش برتری دارد.

ج. هدف و غرض. مثلاً طبابت بر بنایی برتری دارد، زیرا هدف پزشک سلامتی بدن و هدف بنا، سکونت انسان است و بدیهی است که سلامتی، از سکونت ارزشمندتر است.

هر علم و هنری که در موضوع برتر باشد، و یا با فرض یگانگی موضوع، از دیگر عوامل برتری برخوردار باشد، بر دیگری برتری خواهد داشت. اگر از هر جهت و در همه عوامل برتر باشد، پیشاپیش و در رأس همه قرار می‌گیرد.

در باره علوم قرآن، باید به برتری آن از هر جهت (موضوع، شکل و هدف) اذعان نمود؛ زیرا موضوع این علم کلام خدا است که سرچشمه همه فضاائل و حکمت‌ها است. صورت این دانش تجلی اسرار نهفته در آیات الهی و هدف از آن آگاهی بر تاریخ قرآن، ابزار فهم قرآن و بالاخره تحصیل معارف قرآنی است. بنابراین باید گفت: علوم قرآن از نظر اهمیت، ارزش و جایگاه، در رأس همه علوم قرار دارد و بسا به این حقیقت اشارت دارد کلام امام عسکری (ع) که می‌فرماید:

ما انعم الله عز وجل على عبد بعد الايمان بالله افضل من العلم بكتاب الله و معرفة تاويله؛

خداوند عزوجل بعد از نعمت ایمان به خودش نعمتی بالاتر از علم به کتابش

و شناخت تفسیرش به کس نداده است. ۲۱

این بدان معنا است که اولاً نعمت‌های خداوند بر دو قسم مادی و معنوی است و در بخش نعمت‌های معنوی از جمله عقل، علم و ایمان، آگاهی‌های قرآنی از همه بالاتر است و واضح است سلسله علوم قرآن یا خود تأویل و تفسیر قرآن است و یا در مسیر این حرکت علمی قرار دارد؛ چرا که ارتباط علوم قرآن به معنای علوم متصل یا علوم مرتبط با تفسیر قرآن، همان ارتباط علم اصول الفقه با علم فقه است که اگر علم اصول فقه نباشد، فهم فقه و استنباط احکام میسر نخواهد بود.

۱. در این صورت، اصطلاح علوم قرآن، مرادف با علوم قرآن و ترجمه «العلوم القرآنية» می باشد؛ یعنی علمی که موضوع آن قرآن است؛ همانند علوم سیاسی و علوم طبیعی که موضوع آنها سیاست و طبیعت است.
۲. در این صورت اصطلاح فوق ترجمه «علوم القرآن» می باشد.
۳. ر. ک: زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان، ج ۳، ص ۲۸.
۴. ر. ک: حکیم، سید محمد باقر، علوم القرآن، ص ...
۵. ر. ک: معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، ص ۷.
۶. همان.
۷. همان.
۸. ر. ک: علامه طباطبائی، محمد حسین، قرآن در اسلام، ص ۱۰۸.
۹. ر. ک: البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۹.
۱۰. ر. ک: جرجانی، علی بن محمد، کتاب التعریفات، ص ۶۷.
۱۱. ر. ک: مظفر، محمد رضا، المنطق، ص ۱۰.
۱۲. ر. ک: مدیر شانه چی، کاظم، علم الحدیث و درایة الحدیث، ص ۸.
۱۳. علوم تجربی به لحاظ های مختلف تقسیم شده است: به لحاظ موضوع و متعلق، به انسانی و طبیعی منشعب شده است. علوم و معارفی که متعلق شناسایی و مطالعه ای آنها رفتارهای فردی و جمعی، ارادی و غیر ارادی، آگاهانه و غیر آگاهانه انسانی باشد، علوم تجربی انسانی نام دارد؛ مانند روان شناسی، جامعه شناسی، علوم سیاسی، علوم تربیتی، اقتصاد و مدیریت. اما علمی که متعلق شناسایی آنها رفتار و پدیده های غیر انسانی است و در قالب کمیت پذیر و نظم تجربی قرار می گیرند، علوم تجربی طبیعی نامیده می شوند؛ مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی و ...
- علوم تجربی در تقسیم دیگر به علوم محض، یعنی علمی که در صدد کشف نظم های جهان مادی و پرده برداشتن از اسرار طبیعی است، و علوم کاربردی که در صدد تسلط بر عالم طبیعت و به خدمت گرفتن عناصر جهان است، تقسیم می شود. (ر. ک: خسرو پناه، عبدالحسین، کلام جدید، ص ۳۵۹).
۱۴. ر. ک: البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۷ - ۱۹؛ اتقان، ترجمه حائری، ج ۲، ص ۳۹۳.
۱۵. ر. ک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۸۲.
۱۶. همان، ج ۹۲، ص ۷۹ و ۸۷.
۱۷. همان، ج ۹۲، ص ۹۰.
۱۸. همان، ج ۹۲، ص ۱۱۱.
۱۹. همان، ج ۹۲، ص ۲۰.
۲۰. گفتنی است که علم اصول الفقه خود از مقوله علوم دستوری است که در باره یک سلسله «باید» ها سخن می گوید، نه در باره «هست» ها. ر. ک: مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، ص ۲۵۳.
۲۱. ر. ک: بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۱۷.